بعضی اصحاب آن خدای طلب / گفت بعضی اخبار دارد شب / لیک باز دمباشرت اگر
نیتش را بعد بیدار باید کرد / لیک گفت آن وسط آن آمد / غیر لعین شد است نصف اخیر
بعد نیت جماع اکل آن / غیر مبطل نوشته اند جان / از محرز نوشت از آن باب
بعد نیت اگر بیاز دخواب / الاصح گفت آن علو است / نیت واجب مجدد است
هم ز فرض ما فریضه ار / شرط نیت بکل روز بیار / نزد ما روزه رمضان
فعل نیت کند درست بدان / شافعی را در این سد خلاف / هم تخلف زمالک دلاف
گر کند نیت اینچنین بمار / چاشتی نیتش مسافر نار / دور است عمد است از زمان
اصح قول او در است بدان / این قول اصح که زاد مکتوب / این سخن قول صاحبین او
نیت مطلق او کند بدان / شافعی را در این بود قول / در هدایه نوشته اند جان
بست نهم که گشت از شعبان / متوجه شوند بهر هلال / تا بوبینند ماه نیک جمال
گر بوبینند دارند صیام / ورنه سی روز هم کنند تمام / بعد سی روز عدت شعبان
دارند روزه رمضان / چون آشنه شود باهل کتاب / نقل گوید نشد ز کره حساب
بعد ظاهر شود باین فرمان / بوده آنروز از رمضان / چون آشنه شود باهل کتاب
نقل گوید نشد ز کره حساب / گفت جایز ز روزه مکتوب / ورنه از روز نیستی محبوب
گر همان روزه کرده است اختیار / چونکه مظنون بود قضا مشار / کرده نیت ز واجب دیگر
نیز مکروه کرده اند بهر / بعد ظاهر شود اگر بر آن / بود آنروز از رمضان
از فریضه حساب یابد او / ورنه شعبان ز روزه رکو / یک سخن باشد از تطوع آن
اصح از نیتش حساب بدان / کرده باشند قطع غایت / نبود نزد ما کراهت
روز شک گر روزه قضا / هر جماعی بود نقش ادا / گر با جماع روزه رمضان
یا بروز آخر شعبان / باز بر روز روزه واجب / یکی از روزه رمضان
روز شک را اگر به نهای / روزه دارد در وقت جماع / قول بعضی درست فقه اصل

قول

قول بعضی است حرام ای اهل / قول شافعی را چنین گفتی / روزه دارد بنفل و فرض
فتوی بدهد بعاند آب آن / منتظر تا زوال گردد آن / نیست معلوم ماه اگر آن باید
فتوی بدهد فتوی بود با افطار / گر بود نیت یک آن / هست فرد اگر کرده رمضان
روزه میدارش والا / بنود روزه اهل تا دانا / کف فرد اش روزه از رمضان
گر بود روزه دشمن آن / چون ز شعبان اگر بود فردا / روزه دارد ز واجب اجزا
گفت این نیز کراهت عین است / چون ز دو میان امر است / بود اندکه از رمضان
بوده آنروز جایز از آن / روز شبی نگر بوده آن / نیت جایز ز واجب دیگر
روز شک قصد را اگر کند آن / گر صباح است از رمضان / روزه دارد ز روزه مکتوب
ورنه از نفل شد او محبوب / هم همین قصد را اگر کرد / در هدایه بود دلیل او
بود ظاهر شد از رمضان / بوده آنروز جایز از آن / شخص بیند هلال را تنها
روزه میدارد او از فردا / گر چه آنجا گواهی آمد / چون ز ماه زمانه رو بگرد
روزه آنکس نداشت حق حیات / یا بروز قضا گناه نیست / شافعی گفت هم گناه نیست
روزه با جماع اگر بشکست / کردی روز روزه که تمام / روزه ناش بداد یک ماه
بود سی روز اگر کشاید حیات / مرد مذکور را گناه نیست / یعنی آن آدمیکه از آن پیش
ماه را دیده بود تنها تنش / شخص عدل گواهی تنها / داد بر دید اهل نه با
در سماعلتی بود جو غام / حی کبیر و گواهی در زمام / خواه حرت عبد زن خواه مرد
امر دین قبول باید کرد / هم نوشتند بزرگان حق / نیست لفظ شهادتش مختص
شرط باشد عدالتش اما / قول فاسق قبول نا باشد / در قذف که کسی بود محدود
بعد از آن توبه کرده بود / هم قبول آمده گواهی آن / در هدایه ظاهر از واجب دان
بود اهل کرم که گر او آنجا باد / فاسق اندر آن گواهی داد / گفت دیدم هلال را آن شاه
گر گواهی او گرفت امام / امر کرد در امامی هم آنجو / هر مسلمانکه هست دارد حق

Copyright © Aligarh Muslim University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)